

## سازگاری محتوایی دعای فرج (عظم البلاء) با مبانی توحیدی

اکبر ساجدی \*

سید ضیاءالدین علیا نسب \*\*

### چکیده

دعای فرج: «الهی عظم البلاء...»، از دعا‌های معروف شیعیان است. این دعا غالباً در مواقع گرفتاری خوانده می‌شود و مضامین پرمحتوای آن از ارتباط تنگاتنگ دعاکننده با معصومان و به ویژه ارتباط با حضرت ولی عصر علیه السلام حکایت دارد. نکته مهمی که در دعای مزبور وجود دارد، درخواست کارهایی از معصومان است که به خداوند مختص است؛ درخواست اموری از معصومان، مثل «نصرت» و «کفایت». با عنایت به تاکید قرآن بر حصر صفات مزبور در خداوند باعث شده که توهم شرک‌آمیز بودن این دعا تقویت شود. بر اساس پژوهش و تحقیق، معلوم گردید دعای فرج، هر چند از قرن ششم به بعد مورد توجه قرار گرفته است؛ به لحاظ محتوایی با اصول توحیدی و اعتقادات اصیل اسلامی کاملاً هماهنگ است؛ در نتیجه ضعف سندی دعا با قوت محتوایی آن جبران می‌شود. در حقیقت منشأ شبهه شرک‌آمیز بودن دعا، نادیده گرفتن اموری است که با دلایل محکمی اثبات شده است. از جمله آن امور می‌توان به «جایگاه و شأن نبی مکرم و اهل بیت طاهرین»، «ولایت تکوینی ایشان» و «نظام اسباب و مسببات حاکم بر عالم» اشاره کرد. از نوآوری‌های پژوهش حاضر می‌توان به دسته‌بندی فقرات دعا اشاره کرد که هر دسته مستقلاً با معیارهای پیش گفته مورد بررسی قرار گرفته و نهایتاً سازگاری دعای مزبور با مبانی دینی اثبات شده است.

واژگان کلیدی: دعای فرج، دعای عظم البلاء، امام زمان علیه السلام، توحید، شرک.

مناجات و دعا مغز عبادت (حلی، ۱۴۰۷: ۲۹) و توسل نیز دستوری قرآنی است (مائده: ۳۵). مجموعه آموزه‌های دینی مشحون از دعاهایی است که از زبان اولیای الهی نقل یا توصیه شده است. از جمله دعاهای روایی، دعایی است که به «دعای فرج»<sup>۱</sup> (عظم البلاء) معروف است. این دعا به دلیل شبیهه شرک‌آمیزی، در بین اندیشمندان فریقین بازتاب گوناگونی داشته است. سازگاری دعای مزبور با مبانی توحیدی فرضیه اساسی پژوهش حاضر می‌باشد.

## پیشینه تحقیق

اولین شرح بر زیارت امام حسین علیه السلام، از محمد باقر بن محمد جعفر همدانی (م. ۱۳۱۹ ق) است. وی ضمن شرح زیارت امام حسین، به مقامات امامان معصوم و دعای فرج اشاره کرده و به شبیهه شرک‌آمیز بودن دعای مزبور با عبارتی کوتاه پاسخ داده است (همدانی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۴۳۹).

کتاب «معیار توحید و شرک در قرآن» از سید عزالدین حسینی زنجانی، دومین اثری است که ضمن اشاره به دعای مزبور، شبیهه شرک‌آمیز بودن آن را رد کرده است. مولف با پژوهشی در خور قدردانی و با محوریت آیات قرآن، شرک‌آمیزی عقاید اصیل شیعه را نادرست دانسته است (حسینی زنجانی، ۱۳۸۵).

سید جعفر مرتضی عاملی نیز در پاسخ به پرسشی که درباره دعای مزبور مطرح شده، با استفاده از آیات و روایات، تبیینی ارائه کرده و شبیهه شرک‌آمیز بودن آن را رد کرده است (مرتضی عاملی، ۱۴۲۶، ج ۱۲: ۱۹۸ - ۲۰۷).

۱. در آموزه‌های روایی، ادعیه فراوانی به «دعای فرج» نامیده شده است (ر. ک: کلینی ۱۳۶۵، ح ۴: ۲۸۴؛ ابن اشعث، بی تا: ۲۴۸؛ راوندی، ۱۴۰۷: ۵۱؛ سید بن طاووس، الف، ۱۴۱۱: ۴ و ۲۹؛ سید بن طاووس، ب، ۱۴۱۱: ۹۰؛ شامی، ۱۴۲۰: ۶۲۴؛ کفعمی، ۱۴۱۸: ۳۲۳).

مقاله «کاوشی در دعای فرج» تنها اثر مستقلی است که ضمن بررسی سندی دعا، فقرات آن را شرح کرده و در نهایت به صورت بسیار کوتاه، شبهه مزبور را پاسخ داده است (بنویدی، ۱۳۹۰).

در نوشتار حاضر ضمن پژوهشی دقیق در سند دعا، دسته‌بندی جدیدی از بندهای دعا ارائه شده و به بررسی صحت و سقم محتوایی آن‌ها، به ویژه فقره‌ای که به ظاهر با مبانی توحیدی سازگاری ندارد؛ پرداخت شده است.

در این پژوهش، بنا به رعایت هماهنگی و نظم، متن دعا بر اساس نقل کفعمی (م. ۹۰۵) انتخاب شده و تمامی بررسی‌ها با محوریت آن صورت گرفته است:

اللَّهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ وَ بَرِحَ الْخَفَاءِ وَ انْكَشَفَ الْغِطَاءِ وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُيِعَتِ السَّمَاءُ وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ إِلَيْكَ الْمُشْتَكَى وَ عَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَةِ وَ الرَّخَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أُولَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ وَ عَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجاً عَاجِلاً قَرِيباً كَلِمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اكْفِيَانِي فَإِنِّي كَافِيَايَ وَ انصُرَانِي فَإِنِّي كَمَا نَاصِرَايَ يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْأَمَانَ الْأَمَانَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ. خدایا! بلا سخت شد و پنهان آشکار گردید و پرده برداشته شد و امید به ناامیدی مبدل گشت و زمین با همه پهناوری بر ما تنگ آمد و آسمان رحمتش را منع کرد؛ ولی تنها کمک‌گاه، شکایت‌گاه و تکیه‌گاه ما در ناخوشی و خوشی تویی. خدایا! بر محمد و آل محمد که صاحبان امرند، درود فرست؛ آنان که ما را به اطاعتشان امر فرمودی و با آن، جایگاهشان را بر ما روشن ساختی. پس، به حق آنان از ما بگشا، گشایشی سریع! به مانند پلک چشم یا حتی زودتر. ای محمد! ای علی! ای علی! ای محمد! کفایت‌کنید که شما باید کفایت‌گران و یاری‌ام رسانید که شما باید یاری‌گران! مولای ما! ای صاحب زمان! امان! امان! امان! فریاد! فریاد! فریاد! دریابم! دریابم! دریابم! همین ساعت! همین ساعت! همین ساعت! عجله! عجله! عجله! ای مهربان‌ترین مهربانان! به محمد و آل پاکش (کفعمی، ۱۴۰۳: ۱۷۶).



## بررسی سندی دعا

### پیشینه نقل دعا

این دعا در منابعی که ذکر خواهد شد، به صورت‌های متفاوتی نقل شده که می‌توان تفاوت مزبور را تحت دو نوع نقل تبیین کرد: ۱. کل دعا ۲. بخشی از دعا.

#### ۱. کل دعا

بر اساس تحقیقی که انجام گرفت، پیشینه نقل کل دعا به آثار علمای قرن هفتم هجری به بعد بر می‌گردد که در ادامه تبیین می‌شود:

الف. ابن مشهدی (م. ۶۱۰): ابن مشهدی دعای مزبور را ذیل بخش «زيارة مولانا الخلف الصالح صاحب الزمان عليه و علی آبائه السلام»، مروی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه معرفی کرده و خواندن آن را جزو دعا‌های سرداب مطهر بعد از «نماز امام زمان» مستحب دانسته است (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۵۹۰ - ۵۹۱).

ب. سید بن طاووس (م. ۶۶۴ ق): سید بن طاووس ذیل عنوان «صلاة الحجة القائم» دعای مزبور را نقل کرده است (سید بن طاووس، ۱۳۳۰: ۲۸۰ - ۲۸۱).

ج. شهید اول (م. ۷۸۶ ق): شهید اول، دعای مزبور را ذیل بخش «تتمة فی زیارة سیدنا و مولانا حجة الله الخلف الصالح ابي القاسم محمد المهدی صاحب الزمان صلوات الله عليه و علي آبائه بسر من رأي»، مروی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه معرفی کرده و خواندن آن را جزو دعا‌های سرداب مطهر بعد از «نماز امام زمان» مستحب دانسته است. متن دعای نقل شده از سوی شهید اول برابر با نقلی است که ابن مشهدی ذکر کرده است (شهید اول، ۱۴۱۰: ۲۱۰).

د. کفعمی (م. ۹۰۵): کفعمی دعای مزبور را ذیل عنوان «ادعية المسجون» با این تعبیر: «دعایی که صاحب الامر به مردی محبوس یاد داد و او نجات یافت»؛ نقل کرده است (کفعمی، ۱۴۰۳: ۱۷۶).

#### ۲. بخشی از دعا

در برخی از کتاب‌ها، بخش‌هایی از دعای مزبور نقل شده که می‌توان ذیل عنوان «بخش آغازین دعا» و «بخش میانی دعا» ذکر کرد.

## بخش آغازین دعا

الف. طبرسی (م. ۵۴۸ ق): امین الاسلام طبرسی، صاحب «مجمع البیان»، بخش آغازین دعا را در کتاب «کنوز النجاح» نقل کرده است. نسخه خطی ترجمه‌ای از این کتاب که در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود، فاقد هر گونه فهرست و شماره صفحات است. در کتاب مزبور چنین ذکر شده است:

دعایی که حضرت صاحب الزمان علیه السلام تعلیم نموده آن را به مردی که در حبس بوده است که به جهت خلاصی از حبس بخواند: **اللَّهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ وَامْتِنَعَ الرَّجَاءِ وَضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَاثُ وَ إِلَيْكَ الْمُشْتَكِي وَ عَلَيْكَ الْمُتَوَكِّلُ فِي الشَّدَةِ وَ الرَّخَاءِ فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَي أَوْلِي الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ وَ عَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنَزَلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجاً عَاجِلاً قَرِيباً كَلَّمَحٍ بِالْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ** (طبرسی، ۱۱۳۰).

ب. قطب الدین راوندی (م. ۵۷۳ ق): قطب الدین راوندی در ادامه روایتی که درباره دوازده امام وارد شده (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۶۵ - ۲۶۹)؛ بخش آغازین دعا را از ادعیه امام زمان علیه السلام دانسته است:

و دعاؤه: **«اللَّهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ وَ بَرِحَ الْخَفَاءِ وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَ انْكَشَفَ الْغِطَاءُ وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ إِلَيْكَ الْمُشْتَكِي وَ عَلَيْكَ التَّوَكُّلُ فِي الشَّدَةِ وَ الرَّخَاءِ فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَي أَوْلِي الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَ عَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنَزَلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجاً عَاجِلاً قَرِيباً كَلَّمَحٍ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ** (راوندی، ب ۱۴۰۹: ۳۶۵).

## بخش میانی دعا

بخش میانی دعا تعبیراتی است که از معصومان علیهم السلام نصرت و کفایت درخواست شده است. پیشینه نقل این بخش از دعا به آثار قرن پنجم هجری برمی‌گردد.

الف. محمد بن جریر طبری (م. قرن پنجم): طبری، صاحب «دلائل الامامة»، ضمن ذکر داستان یک تشرف به محضر امام زمان علیه السلام، بخشی میانی دعای مزبور را نقل کرده است: ابو جعفر، محمد بن هارون بن موسی تلکبری برای ما نقل کرد که ابو الحسین

بن ابی البغل کاتب برای او نقل کرده بود که گفت: کاری از ابو منصور بن صالحان به گردن گرفتم؛ ولی میان من و او اتفاقی افتاد که موجب پنهانی من گشت. او مرا خواست و تهدید کرد؛ ولی من همچنان پنهان می‌زیستم و بر خویشتن می‌ترسیدم تا آن که شب جمعه‌ای به طرف مقابر قریش (حرم کاظمین) رفتم و قصد کردم که شب را بیتوته کنم. آن شب، طوفانی و بارانی بود. لذا از ابو جعفر، کلیددار حرم خواستم درها را ببندد و سعی کند محلی را خلوت کند، تا من در خلوت به دعا و مسئلت از خداوند پردازم. ابو جعفر، کلیددار پذیرفت و درها را بست تا آن که شب به نیمه رسید و باد و باران، راه آمدن مردم را به حرم بست و من با فراغت بال به دعا و زیارت و نماز مشغول گشتم. در همان موقع که سرگرم دعا بودم، صدای پاییی از طرف قبر مطهر حضرت موسی کاظم شنیدم. وقتی نگاه کردم، دیدم مردی زیارت می‌کند و بر حضرت آدم و پیغمبران اولوالعزم درود می‌فرستد. سپس بر یک یک امامان درود فرستاد تا به صاحب الزمان عجل الله فرجه رسید؛ ولی او را نام نبرد، من تعجب کردم و گفتم: شاید فراموش کرد، یا این که امام زمان را نمی‌شناسد، یا این که مذهب او چنین است که امام دوازدهم را قبول ندارد.

بعد از زیارت، دو رکعت نماز گزارد. آن گاه به جانب قبر امام محمد تقی علیه السلام آمد و همان طور زیارت کرد و بر انبیا و ائمه درود فرستاد و دو رکعت نماز خواند من از او وحشت کردم؛ زیرا او را نمی‌شناختم.

ولی دیدم جوانی است کامل؛ لباس سفیدی پوشیده و عمامه‌ای خنک‌دار بر سر و ردایی بر دوش دارد. در این وقت، آن جوان مرا مخاطب ساخت و گفت: یا ابا الحسین بن ابی البغل! چرا دعای فرج نمی‌خوانی؟ گفتم: آقای من! دعای فرج کدام است؟ گفت: دو رکعت نماز می‌خوانی و سپس می‌گویی: یا من اظهر الجمیل و ستر القبیح یا من لم یؤاخذ بالجریره و لم یهتک السّتر یا عظیم المنّ، یا کریم الصّبح، یا حسن التّجاوز؛ یا باسط الیدین بالرحمة یا منتهی کلّ نجوی؛ یا غایة کلّ شکوی. یا عون کلّ مستعین یا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها. سپس ده مرتبه بگو: یا ربه! و ده مرتبه: یا سیداه! و ده مرتبه: یا مولاه! و ده مرتبه: یا غایتاه! و ده مرتبه: یا منتهی غایة رغبتاه! آن گاه بگو: أسألك بحق هذه الأسماء و بحق محمد و آله الطاهرين علیهم السلام أأما ما کشف

کربی و نفست همی و فرجت غمی و اصلحت حالی. آن گاه هر حاجتی داری از خدا بخواه. سپس گونه راست را روی زمین بگذار و صد مرتبه بگو: یا محمد یا علی! یا علی، یا محمد! اکفیانی فانکما کافیای و انصرانی فانکما ناصرای! بعد از آن گونه چپ را بر زمین بگذار و صد مرتبه بگو: ادرکنی! و آن را بسیار تکرار کن. سپس با یک نفس بگو: الغوث، الغوث! آن گاه سر بردار که خداوند با کرم خود حاجت تو را روا خواهد کرد.

موقعی که من به نماز و دعا مشغول شدم، او از حرم بیرون رفت. چون فارغ گشتم، رفتم که از ابو جعفر کلیددار سراغ آن مرد را بگیرم و سؤال کنم با این که در بسته بود، آن مرد چگونه داخل شد! دیدم درها همچنان قفل است؛ تعجب کردم و پیش خود گفتم: شاید حرم در دیگر دارد که من نمی‌شناسم. رفتم به طرف ابو جعفر کلیددار؛ دیدم از اتاقی که روغن چراغ در آن گذارده‌اند، بیرون می‌آید. من سراغ آن مرد را از او گرفتم که چگونه داخل حرم شد. ابو جعفر گفت: چنان که می‌بینی درها همه بسته است و من هنوز درها را باز نکرده‌ام. من جریان را برای او نقل کردم. ابو جعفر گفت: این مرد مولا، صاحب الزمان عجل الله فرجه بوده است! مکرر در مثل چنین شبی که حرم خلوت است حضرتش را دیده‌ام. من بر آنچه از دست داده بودم تأسف خوردم. آن گاه نزدیک طلوع فجر از حرم بیرون آمدم و به جانب محله «کرخ» و جایی که در آن پنهان بودم رفتم؛ هنوز آفتاب سر زده بود که دیدم اصحاب ابن صالحان سراغ مرا می‌گیرند و محل مرا از دوستانم می‌پرسند.

آن‌ها از وزیر برای من امان آورده بودند و نامه‌ای به خط وی نشان دادند که نوشته بود: «همه چیز خوب است» من با یکی از دوستان موثقم نزد ابن صالحان رفتم، او به احترام من برخاست و مرا کنار خود نشاند و طوری با من رفتار کرد که نظیر آن را از او به یاد نداشتم. ... (طبری، ۱۴۱۳: ۵۵۲).

ب. سید بن طاووس: سید بن طاووس همین بخش از دعا را از دلائل الامامة طبری نقل کرده است (سید بن طاووس، ۱۳۶۸: ۲۴۵ - ۲۴۷).

ج. کفعمی: کفعمی نیز ذیل عنوان «نماز حاجت» دعای مزبور را قریب به عبارت دلائل الامامة طبری نقل کرده است (کفعمی، ۱۴۱۸: ۱۵۲).

از مطالب پیشین چنین به دست می‌آید:  
اولاً، دعا از حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه نقل شده است؛  
ثانیاً، کل دعا در ضمن «ادعیه نماز امام زمان» و بخش‌هایی از دعا در ضمن «نماز حاجت» ذکر شده است؛  
ثالثاً، دعای مزبور در آثار قرن پنجم و ششم هجری مورد توجه ویژه قرار گرفته است.

#### اقبال عملی و نظری اندیشمندان اسلامی به دعای فرج

محتوای غنی و مضامین ژرف دعای فرج باعث شده است علمای بسیاری آن را در سیره عملی و آثار علمی خود گنجانده و عملاً هماهنگی محتوای آن را با مبانی توحیدی تأیید کنند. در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:  
شیخ بهایی (۱۴۲۹: ۴۴۰ - ۴۴۱)؛ حر عاملی (۱۴۰۹: ج ۸: ۱۸۵)؛ مجلسی (۱۴۰۳، ج ۵۱: ۳۰۵؛ ج ۵۳: ۲۷۵، ج ۸۷: ۳۸، ج ۸۸: ۱۹۱، ج ۸۸: ۳۵۰، ج ۹۲: ۲۰۱، ج ۹۹: ۲۰، ج ۹۹: ۱۱۹ و همان، ۱۴۲۳: ۵۶۸)؛ علی یزدی حائری (۱۴۲۲، ج ۱: ۲۶۰، ج ۲: ۴۳)؛ ابراهیم بن محسن کاشانی (۱۴۰۵: ۶۹)؛ میرزا محمدتقی اصفهانی (۱۴۲۱، ج ۱: ۲۱۷ - ۲۱۸ و همان، ج ۲: ۳۸۱)؛ امام خمینی (۱۳۷۸: ۱۶۰)؛ میرزا جواد تبریزی (۱۴۲۷، ج ۶: ۳۹۵).

#### بررسی محتوایی دعا

#### پیوند دعا با امام زمان عجل الله تعالی فرجه

دعای فرج از جهات متعددی به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ارتباط دارد:  
اصل ورود دعا آموخته حضرت امام زمان به ابوالحسین بن ابی البغل کاتب می‌باشد که تفصیل آن گذشت (طبری، ۱۴۱۳: ۵۵۲).  
برخی از محققان اسلامی که بخشی از تحقیقات خود را به ادعیه، زیارات و توسلات اختصاص داده‌اند، دعای مزبور را به عنوان زیارت‌نامه امام زمان عجل الله تعالی فرجه شمرده‌اند (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۵۹۰ - ۵۹۱؛ سید بن طاووس، ۱۳۳۰: ۲۸۰ - ۲۸۱؛ شهید اول، ۱۴۱۰: ۲۱۰؛ کفعمی، ۱۴۰۳: ۱۷۶).



در متن دعا بخش اعظمی از توسل به درگاه معصومان، به امام زمان عجل الله تعالی فرجه اختصاص پیدا کرده و دعاکننده با عجز و انابه شدت نیاز خود را با واژگانی چون «الْعَوْتُ»، «أَذْرِكُنِي» و «الْعَجَل» بیان می‌کند.

آری؛ امام حی و حاضر در زمان ما، وجود مقدس حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه است. در دعای فرج، هم به پیامبر اکرم و هم به امیرالمؤمنان توسل می‌کنیم و از آنان حاجت می‌طلبیم؛ ولی در زمان ما امام معصوم و واسطه فیض الاهی حضرت مهدی صاحب الزمان است و برآورده شدن حاجات ما به دست مبارک آن حضرت صورت می‌پذیرد (بنویدی، ۱۳۹۰: ۱۱۴).

سرانجام، آن چه دعای مزبور را با ولی عصر عجل الله تعالی فرجه زمان مرتبط می‌سازد، رفتار دینی شیعیان خالص و مومنان راستین است که نه تنها در شداید زندگی، بلکه در لحظه‌لحظه حیاتشان، پیوندی با مضامین دعای مزبور داشته و عملاً خود را متمسک به آستان حضرت می‌دانند. گواه این سخن توصیه‌های اخلاقی و عرفانی بزرگانی چون آیت الله بهجت رحمته الله است که توسل به امام زمان را در قالب دعای فرج بسیار توصیه می‌فرمودند. تعبیر ایشان در اهمیت دعای فرج چنین است:

بهترین کار برای به هلاکت نیفتادن در آخرالزمان، دعای فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه است؛ ... مخصوصاً دعای شریف «عظم البلاء و برج الخفا» را بخوانیم و از خدا بخواهیم که صاحب کار را برساند (بزرگمهرنیا، ۱۳۸۸: ۴۰۱ - ۴۰۲).

#### دسته‌بندی فقرات دعا

متن این دعا در یک تقسیم کلی سه بخش می‌شود: «مناجات با خدا»، «توسل به معصومان» و «بازگشت به مناجات» که هر کدام نیز به شاخه‌های فرعی تری تقسیم می‌گردد. در بخش نخست سه شاخه وجود دارد: ۱. شکایت؛ ۲. صلوات و درود بر پیامبر و آل پیامبر؛ ۳. گشایش خواهی.

در بخش دوم، دو شاخه مطرح است: ۱. توسل به پیامبر و امام علی؛ ۲. توسل به امام زمان و بخش پایانی دعا بازگشتی است به مناجات با خدا.

### بخش نخست: مناجات با خدا

شکایت: بخش آغازین دعا شکایت به محضر خداوند از شداید و سختی‌های روزگار است:

اللَّهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءُ وَ بَرِحَ الْخِفَاءُ وَ انْكَشَفَ الْغَطَاءُ وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ  
مُنِعَتِ السَّمَاءُ وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ إِلَيْكَ الْمُشْتَكَى وَ عَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَ  
الرَّخَاءِ.

صلوات و درود به پیامبر و آل پیامبر: در شاخه دوم از بخش اول، دعا بر ذکر صلوات و

اقرار به اولی الامر بودن ایشان مشتمل است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ وَ عَرَفْتَنَا  
بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ.

گشایش‌خواهی: در شاخه پایانی بخش اول از خدا، گشایش طلب شده و به همین

مناسبت، این دعا به نام «دعای فرج» معروف شده است:

فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيبًا كَلِمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ.

### بخش دوم: توسل به معصومان

در بخش دوم دو شاخه وجود دارد:

توسل به پیامبر و امام علی علیه السلام: در این شاخه، خطاب دعاکننده متوجه شخص پیامبر و

امام علی علیه السلام است:

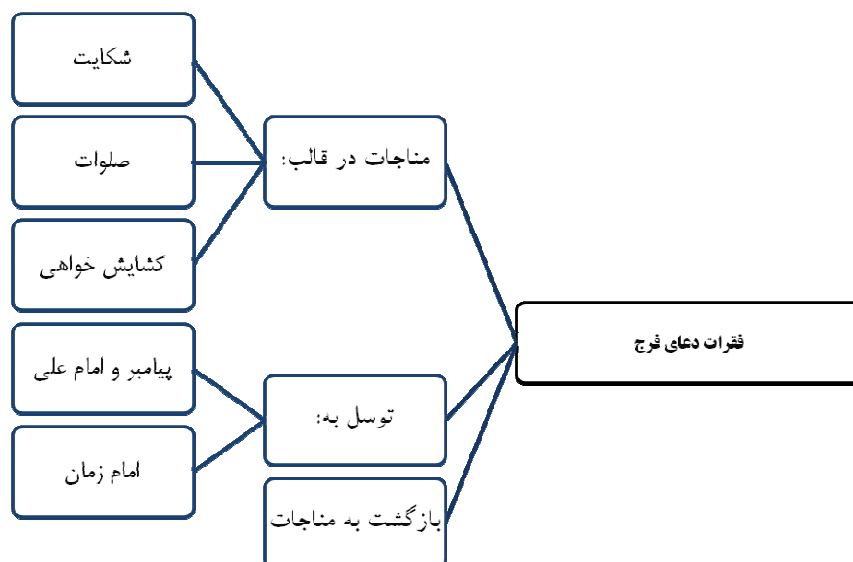
يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اكْفِيَانِي فَإِنِ كُنَّا كَافِيَايَ وَ انصُرَانِي فَإِنِ كُنَّا  
نَاصِرَايَ.

توسل به امام زمان: در شاخه دوم، خطاب به امام زمان متوجه است:

يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْأَمَانَ الْأَمَانَ الْأَمَانَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ أَدْرِكْنِي  
أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ.

بخش پایانی بازگشت به مناجات: بخش پایانی دعا، بازگشتی است به مناجات با خدا:

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.



نمودار شماره ۱. دسته‌بندی فقرات دعای فرج

### سنجش فقرات دعا با معیارهای دینی

برای این که سازگاری دعای مزبور با مبانی توحیدی بررسی شود، فقرات دعا را با معیارهای دینی از قبیل ۱. آیات، ۲. روایات، ۳. عقاید مسلم دینی و مذهبی می‌سنجیم:

### بررسی فقره شکواییه

**سنجش با آیات:** فقره شکواییه با آیات قرآن سازگاری دارد. اصل مشروعیت شکایت به درگاه خداوند، از تعبیر حضرت یعقوب در فقدان فرزندش (یوسف: ۸۶) و شکایت حضرت ایوب از آسیبی که به او رسیده بود (انبیاء: ۸۳)؛ قابل برداشت است.

**سنجش با روایات:** در آموزه‌های روایی، شکایت و گله‌مندی به دو صورت «شکایت به خدا» و «شکایت به غیر خدا» مطرح شده است.

### الف. شکایت به خدا

شکایت، مخصوصاً در امور معنوی در ادعیه معصومان فراوان دیده می‌شود؛ به

عنوان نمونه:

حضرت علی علیه السلام در دعای کمیل با خدا چنین مناجات می‌کند:

يَا أَيُّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو وَ لِمَا مِنْهَا أَضْجُ وَ أَبْكِي لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَ شِدَّتِهِ أَمْ لَطُولِ  
الْبَلَاءِ وَ مُدَّتِهِ؛ از کدامین امور به تو شکایت کنم، و از کدام یک آن‌ها ضجه زده  
گریه کنم؟! آیا از دردناکی عذاب و شدتش بنالم یا بر طول بلا و مدتش؟!  
(طوسی، ۱۴۱۱: ۸۴۷).

در مناجات حضرت امام سجاد نیز شکایت به پروردگار از اموری معنوی دیده می‌شود:

أَشْكُو إِلَيْكَ يَا إِلَهِي ضَعْفَ نَفْسِي عَنِ الْمُسَارَعَةِ فِيمَا وَعَدْتَهُ أَوْلِيَاءَكَ، وَ الْمُجَانِبَةَ  
عَمَّا حَذَرْتَهُ أَعْدَاءَكَ، وَ كَثْرَةَ هُمُومِي، وَ سَوْسَةَ نَفْسِي؛ ای خدای من! به تو  
شکایت می‌کنم از ضعف نفسم در پیش‌دستی به آن چه به اولیایت وعده داده‌ای  
و دوری از آن چه دشمنانت را برحذر داشته‌ای و از فزونی غصه‌هایم و وسوسه  
نفسم! (صحیفه سجادیه، دعای ۵۱).

شکایت به خدا از سختی مصیبت‌های رسیده نیز در سیره پیامبر نقل شده است؛ به عنوان نمونه:

هنگامی که مشرکین طائف پای حضرت را با انداختن سنگ مجروح کردند، حضرت به  
خدا چنین شکایت کرد:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْكُو إِلَيْكَ مِنْ ضَعْفِ قُوَّتِي وَ قِلَّةِ حِيلَتِي وَ نَاصِرِي وَ هَوَانِي عَلَى  
النَّاسِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ بارخدا! شکایت می‌کنم به تو از ناتوانی‌ام، بی‌چارگی‌ام،  
بی‌یاوری‌ام و خواری‌ام پیش مردم؛ ای مهربان‌ترین مهربانان! (بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۲:  
۴۱۶؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۳۷؛ مازندرانی، ۱۳۷۹: ج ۱: ۶۸).

رسول خدا هنگام فرار مسلمانان در جنگ احد، با خدا چنین نجوا کرده است:

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَ إِلَيْكَ الْمُشْتَكِي وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ؛ پروردگارا! حمد از آن توست  
و شکایت به سوی توست و استعانت از توست (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۸۶).

پیامبر گرامی در جنگ احد از مشاهده وضعیت دلخراش بدن حمزه، به خدا با این تعبیر

شکایت کرده است:

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَ إِلَيْكَ الْمُشْتَكِي وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا أَرَى (عیاشی، ۱۳۸۰،  
ج ۲: ۲۷۴).

## ب. شکایت به غیر خدا

روایات، گله‌مندی و شکایت به غیر خدا را مذمت و ترک آن را مدح کرده است. در آموزه‌های روایی «صبر جمیل» (یوسف: ۱۸ و ۸۳)، به صبری که در آن شکایتی نباشد، تفسیر (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۹۳) و مومن به «قلیل الشکوی» وصف شده است (همان، ج ۲: ۲۲۶).

در بیان علوی نیز از شکایت به غیر خدا نهی شده است:

فَاللَّهُ اللَّهُ أَنْ تَشْكُوا إِلَيَّ مَنْ لَأ يُشْكِي شَجْوَكُمْ وَلَا يَنْقُضُ بِرَأْيِهِ مَا قَدْ أُبْرِمَ لَكُمْ؛  
زنهار، زنهار! شکایت خویش را نزد کسی نبرید که نمی‌تواند آن را حل کند، و قدرت ندارد با فکر خود گره از کارتان بگشاید. (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵).

شکایتی که در دعای فرج مطرح شده، شکایت به خداست؛ در نتیجه باید اذعان کرد ناسازگاری بین این بخش از دعا با آموزه‌های روایی دیده نمی‌شود.

**سنجش با عقاید مسلم دینی و مذهبی:** شکایت به درگاه خداوند از نابسامانی امور زندگی، یکی از اموری است که عقلا و متدینان همواره آن را جایز شمرده و با هیچ عقیده مسلم دینی و مذهبی ناسازگاری ندارد. فطرت انسان به گونه‌ای است که هنگام بروز مشکلات، شکوه نزد کسی می‌برد که قدرت حل آن را داراست. با مباحثی که طرح گردید، معلوم شد این فقره با معیارهای دینی کاملاً سازگار است.

## بررسی فقره صلواتیه

**سنجش با آیات:** صلوات بر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور قرآنی است (احزاب، ۵۶). در قرآن دستور به صلوات بر آل پیامبر وجود ندارد. برخی از علمای اهل سنت صلوات بر غیر پیامبر را جایز نمی‌دانند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۶: ۱۳۶)؛ ولی سلام و صلوات بر غیر پیامبر در آیاتی از قرآن مطرح شده که گویای جواز صلوات بر غیر پیامبر است؛ از آن جمله:

الف. خداوند و فرشتگانش، بر شکیباییانی که هنگام مصیبت، مبدأ و معاد را فراموش نمی‌کنند، صلوات می‌فرستند (بقره: ۱۵۷). با توجه به این که آل پیامبر مصداقی از شکیباییان مزبور هستند، طبیعتاً صلوات بر ایشان موجه خواهد بود (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۷: ۳۲۳؛ مازندارنی، ۱۳۸۸، ج ۱۰: ۲۳۸).

ب. خداوند و فرشتگانش بر مومنان صلوات می‌فرستند (احزاب: ۴۳). اگر صلوات بر مومنان که امت پیامبر هستند، موجه است؛ به طریق اولی صلوات بر آل پیامبر موجه خواهد بود.

اطاعت از «اولی الامر» نیز دستوری قرآنی است (نساء: ۵۹). هر چند در مصداق آن، بین فریقین اختلاف مشهوری وجود دارد؛ اولاً، امر به اطاعت مطلق از «اولی الامر» گویای آن است که ایشان معصوم هستند و ثانیاً، چون شناسایی ایشان برای ما به غیر از معرفی قرآن و یا پیامبر ممکن نیست، قهراً مصداق «اولی الامر» کسانی خواهند بود که پیامبر در روایاتی به نام آنان تصریح کرده (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۵۳؛ طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۱۸۲) و حضرتش امامان شیعه را مصداق «اولی الامر» دانسته است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴: ۳۹۸).

سنجش با روایات: صلوات به صورت «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» در آموزه‌های روایی فراوان نقل شده (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۵۵۸؛ صدوق: ۱۴۱۳، ج ۱: ۱۱۲؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۹۹) و از صلوات ناقص، یعنی بدون «آل محمد» نهی شده است:

امام صادق فرمود: پدرم شنید [صدای] مردی را که به خانه خدا آویخته، می‌گفت: بار خدایا! بر محمد درود فرست! پس، پدرم به او گفت: ای بنده خدا! آن را ناقص گذاشته‌ای. در حق ما ستم مکن! بگو: خدایا! بر محمد و اهل بیتش درود فرست! (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۴۹۵).

صلوات مذکور با تکرار حرف جر «علی»، یعنی به صورت «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ آلِ مُحَمَّدٍ» در منابع شیعه (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۹۹) و در اهل سنت (احمدبن حنبل، بی‌تا، ج ۵: ۲۷۳؛ بخاری، ۱۴۰۱، ج ۶: ۲۷ و نیشابوری، بی‌تا، ج ۲: ۱۶؛ مالک، ۱۴۰۶، ج ۱: ۱۶۶) نقل شده است.

سنجش با عقاید مسلم دینی و مذهبی: به طور کلی همه فرق اسلامی بر لزوم صلوات بر پیامبر اکرم اتفاق نظر دارند؛ اما در کیفیت آن اختلاف است.

مهم‌ترین اختلاف شیعه و سنی در کیفیت صلوات این است که شیعیان چه در تشهد نماز (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۹۲) و چه در غیر نماز، صلوات بر «آل محمد» را نیز لازم می‌دانند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۴۹۵)؛ اما عموم اهل سنت صلوات بر آل محمد را در تشهد لازم یا حداقل

متسحب می‌دانند ولی در گفته‌ها و نوشته‌هایشان فقط بر پیامبر صلوات می‌فرستند؛ مثلاً می‌گویند و یا می‌نویسند: «صلی الله علیه و سلم» و اگر احیاناً بر صلوات، عبارت «آل محمد» را بیفزایند، همراه آن، ازواج و اصحاب پیامبر را داخل می‌دانند (قاضی عیاض، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۹۱ - ۱۹۲).

نتیجه این که صلوات مندرج در دعای فرج، با عقاید مسلم دینی منافاتی ندارد.

### بررسی فقره گشایش خواهی

**سنجش با آیات:** «تمسک به وسیله»، دستوری قرآنی است (مأئده: ۳۵). دعای رفع گرفتاری نیز در آیاتی از قرآن به چشم می‌خورد. طلب نجات از شر کافران، همراه توسل به رحمت خدا (یونس: ۸۶)؛ نجات‌خواهی حضرت نوح و ایمان‌آوردگانش از شر تکذیب‌کنندگان (شعراء: ۱۱۸) و نجات‌خواهی آسیه از شر فرعون و کردارش (تحریم: ۱۱)؛ توسل به توحید تنزیهی و توسل به اقرار بر ستمکاری خویش (انبیاء: ۸۷)؛ شاهدهی بر درستی طلب متوسلانه دعای فرج است. اما آن چه تفاوت بین فقره مزبور با آیات قرآن را موجب می‌شود، مصداق وسیله مطرح شده در این دعاست. در دعای فرج «حق پیامبر و آل پیامبر» به عنوان وسیله مطرح شده که در قرآن چنین مصداقی صراحتاً ذکر نشده است. از این رو، توسل به پیامبر و آل پیامبر نیز به تبیین نیاز پیدا می‌کند.

قرآن در جریان بنای خانه کعبه، دعای حضرت ابراهیم را نقل می‌کند که حضرت از خدا به خاطر این کار نیکش حاجتی خواسته است (بقره: ۱۲۷-۱۲۸). آیات مزبور بر جواز توسل به عمل صالح دلالت دارد (سبحانی، ۱۳۸۵: ۲۳۲).

خداوند، توبه‌پذیری خود را به استغفار گنهکاران نزد پیامبر و استغفار پیامبر برای گنهکاران، منوط کرده است (نساء: ۶۴). برادران یوسف نیز بعد از پی بردن به خطای خود، نزد پدر آمده و از او خواستند برایشان از خداوند طلب آمرزش کند (یوسف: ۹۷). از آیات مزبور جواز توسل به پیامبران و اولیا قابل برداشت است (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۸: ۱۵۸).

در نتیجه می‌توان گفت: توسل به حق پیامبر و آل پیامبر، هر چند در قرآن به صورت

صریح بیان نشده است؛ نمونه‌هایی از توسل که در قرآن مطرح شده است با توسل مزبور قرابت عمیقی دارد.

**سنجش با روایات: در آموزه‌های روایی سه گونه توسل وجود دارد:**

### ۱. درخواست از خدا به حق اولیای الهی

بر اساس روایاتی متعدد، لازم است دعاکننده خدا را به «حق محمد و آل محمد» قسم دهد. این نوع دعا هم درباره گرفتاری‌های معیشتی و هم در زمینه امور معنوی نقل شده است.

#### الف. روایت سماعه

امام کاظم به سماعه آموخت هنگام دعا چنین دعا کند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ...» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۵۶۲).

#### ب. از توصیه‌های پیامبر

در دعایی که پیامبر به امام علی آموخته، چنین ذکر شده است: «اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ...» (حرانی، ۱۴۰۴: ۱۱).

#### ج. توسل حضرت آدم

«کلمات» در توبه حضرت آدم و قسم دادن خدا به آن (بقره: ۳۷)؛ در روایات به «خمسه طیبه» تفسیر شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸: ۳۰۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۶۰). نتیجه آن که فرج و گشایش خواسته شده از خدا به حق پیامبر و آل پیامبر، مطلب نادری نیست که باعث استبعاد دعای فرج گردد، بلکه نظیر آن در روایات فراوان است (ر. ک: عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۹۸؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۵۵۰؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۸۴).

### ۲. درخواست دعا از اولیای الهی

دومین نوع توسل به درگاه اولیای الهی این است که آنان را مخاطب قرار داده، دعا از پروردگار طلب گردد. در این خصوص به ذکر یک نمونه که توسل حضرت ابوطالب علیه السلام به



پیامبر است بسنده می‌شود:

از انس بن مالک چنین نقل شده است: ابوطالب بیمار شد و پیامبر ﷺ به عیادتش رفت. ابوطالب گفت: برادرزاده! از پروردگاری که پرستش می‌کنی، بخواه مرا عافیت دهد! پس پیامبر گفت: بارخدا! بر عمویم شفا بخش! پس، ابوطالب برخاست؛ گویا شتر خوابیده از زمین برمی‌خیزد. پس گفت: برادرزاده! پروردگاری که تو پرستش می‌کنی، از تو اطاعت کرد. حضرت فرمود: و توای عمو جان! اگر از خدا اطاعت کنی، البته از تو اطاعت خواهد کرد (بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۸: ۳۷۳).

البته این نحو دعا در دعای فرج نقل نشده است.

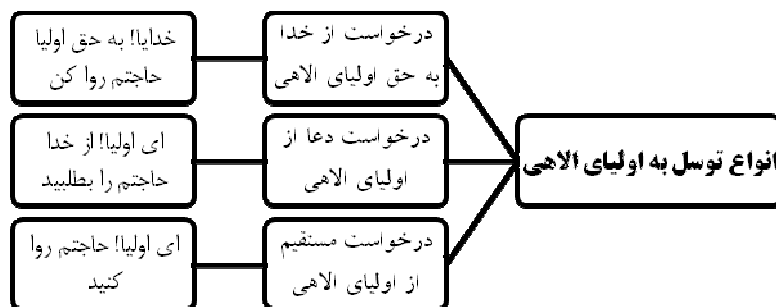
### ۳. درخواست مستقیم از اولیای الاهی

سومین نوع توسل، درخواست مستقیم از اولیای الاهی است. در این زمینه نیز به بیان یک

نمونه از فقرات زیارت جامعه بسنده می‌کنیم:

يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنِّي بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا لَّا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكَمُ فَبِحَقِّ مَنْ  
اِثْمَنَكُمْ عَلَيَّ سِرِّهِ وَاسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرْنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ لَمَّا اسْتَوْهَيْتُمْ  
ذُنُوبِي وَكُنْتُمْ شُفَعَائِي؛ ای ولی خدا! همانا بین من و خدای عز و جل گناहانی  
وجود دارد که تنها رضای شما آن‌ها را نابود می‌کند. پس به حق کسی که شما را  
امین رازش کرده و امور آفریده‌ها را به شما واگذارده و اطاعتتان را قرین اطاعتش  
ساخته است؛ گناهانم را بر من بیخشید و شفیعان من باشید! (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲:

۶۱۶)



نمودار شماره ۲. انواع توسل به اولیای الاهی

حاصل سنجش فقره طلب متوسلانه دعای فرج با معیارهای دینی، گویای سازگاری این فقره با مبانی توحیدی است.

### بررسی فقره توسل

سنجش با آیات: در آغاز فقره توسل نام پیامبر و امام علی علیه السلام به دو صورت مورد خطاب قرار گرفته است: ابتدا نام امام و سپس نام پیامبر (یا علی، یا محمد!) و در وهله دوم، ابتدا نام پیامبر و سپس نام امام (یا محمد، یا علی!). این نوع خطاب، به دلیل شدت ارتباطی است که بین پیامبر و امام علی علیه السلام برقرار است. شدت ارتباط مزبور را می‌توان از کاربرد قرآنی واژه «انفسنا» درباره امام علی علیه السلام (آل عمران: ۶۱) برداشت کرد. «انفسنا» به معنای جان پیامبر، کسی است که در کمالات روحی و معنوی به منزله پیامبر است. مصداق جان پیامبر نمی‌تواند غیر از علی بن ابی طالب باشد؛ چرا که پیامبر او را از کودکی در آغوش خود بزرگ کرده و روحیات و اخلاقیاتش به مانند پیامبر است. او به منزله جان پیامبر است (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۶: ۶۸).

در بخش میانی این فقره از دعا، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام به صفت کفایت و نصرت متصف و از امام زمان عجل الله فرجه نیز به عنوان دادرس و پناه استمداد شده است. بزنگاه دعا همین قسمت است؛ چراکه درخواست کفایت و نصرت از پیامبر و امام علی علیه السلام به ظاهر با روح توحیدی سازگاری ندارد.

قابل ذکر است، بر اساس اندیشه اسلامی، اموری چون توسل، شفاعت، استغاثه، تبرک و زیارت قبور بزرگان دین، مورد پذیرش است؛ ولی در دیدگاه وهابیت، امور مزبور شرک پنداشته شده است؛ در حالی که بسیاری از نویسندگان مسلمان از پیروان اهل بیت و حتی اهل سنت، با اصول یادشده موافق بوده و در مقابل وهابیت موضع گرفته و در آثارشان به سازگاری امور یاد شده با توحید، تصریح کرده‌اند (ر. ک: سبکی، ۱۴۱۹، ابی حامد بن مرزوق، ۱۹۷۶، سبجانی، ۱۳۷۴، علیاناسب، ۱۳۸۷).

به هر روی، قرآن، معارف خود را بر اساس توحید قرار داده (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵: ۳۱۲)؛

شرک را ظلم بزرگی دانسته (لقمان: ۱۳) و توحید صفاتی خدا، از قبیل توحید در کفایت، نصرت و استعانت را در آیات فراوانی مطرح کرده است: «أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ» (زمر: ۳۶)؛ «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (آل عمران: ۱۲۶) و نیز «وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (فاتحه: ۵).

حال باید دید آیا «طلب کفایت و نصرت از غیرخدا» با «حصر کفایت و نصرت در خداوند» سازگار است؟ این پرسش یکی از دو پاسخ زیر را خواهد داشت:

نفی: طلب بسندگی و نصرت از غیرخدا با روش قرآن و سنت هماهنگی ندارد؛ در نتیجه دعای مزبور دعای ساختگی است (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۵: ۳۴۰).

اثبات: طلب مزبور با حصر بسندگی و نصرت در خداوند منافاتی ندارد؛ چرا که پیامبر ﷺ و امام علی عليه السلام وسیله بسندگی و نصرت هستند (تبریزی، ۱۴۲۷، ج ۶: ۳۹۵).

پاسخ سلبی بر این نکته تأکید دارد که روش قرآن، روشی توحیدی است؛ ولی لحن دعا مشرکانه است و پاسخ ایجابی نیز چنین تبیین می‌کند که سبب حقیقی بسندگی و نصرت خداست و پیامبر ﷺ و امام علی عليه السلام تنها وسیله آن سبب هستند، نه سببی مستقل.

در دفاع از پاسخ ایجابی چنین می‌توان گفت که قرآن دو انتقاد به شرک وارد می‌کند:

الف. این که بت‌ها موجوداتی بی‌جان‌اند (نحل: ۲۱) که نه سود دارند، نه زیان (یونس: ۱۸)؛

ب. این که بت‌پرستان برای واسطه قرار دادن بت، بین خود و خدا، دلیل روشنی از سوی خدا ندارند (یوسف: ۴۰؛ نجم: ۲۳). انتقاد دوم از انتقاد اول مهم‌تر است؛ زیرا طبق انتقاد اول این شبهه تداعی می‌شود که بت‌ها به دلیل عدم تأثیر نمی‌توانند واسطه شوند و اگر جاندار موثری مورد توسل واقع شود، اشکالی نخواهد داشت. انتقاد دوم در صدد دفع این شبهه است و بیان می‌کند توسل به هر موثری، بدون اذن خدا روا نیست. نتیجه این که اگر کسی موثر و مأذون باشد، توسل به او جایز خواهد بود (حسینی زنجانی، ۱۳۸۵: ۵۵ - ۶۵).

اما آیا در قرآن، دلیلی وجود دارد که خدا این اجازه را درباره کسی داده باشد که واسطه

بین مردم و خدا واقع شود؟

### الف. «کشف ضر» از سوی حضرت موسی

با این که «کشف ضر» از صفات منحصره خداست (انعام: ۱۷؛ یونس: ۱۰۷؛ نمل: ۶۲)؛ در قرآن کریم، این مطلب در غیر خدا نیز به کار رفته است:

وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَ لَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ؛ و هنگامی که عذاب بر آنان فرود آمد، گفتند: ای موسی! پروردگارت را به عهدی که نزد تو دارد، برای ما بخوان! اگر این عذاب را از ما برطرف کنی، حتماً به تو ایمان خواهیم آورد و بنی اسرائیل را قطعاً با تو روانه خواهیم ساخت! (اعراف: ۱۳۴).

در این آیه «کشف رجز» (برطرف کردن عذاب) به حضرت موسی اسناد داده شده است؛ یعنی موسی به عهدی که دارد، «کاشف الرجز» است. در جمله مزبور، موسی، موضوع؛ کاشف الرجز، محمول و عهدداری، قید موضوع است. قید «بما عهد عندک» از دو حال خارج نیست: یا حیثیت تقییدیه است، یا حیثیت تعلیلیه. اگر حیثیت تقییدیه باشد، از باب «جسم سفید مرئی است»؛ خواهد بود و اگر حیثیت تعلیلیه باشد، از باب «انسان متعجب خندان است»؛ خواهد بود. در حیثیت تقییدیه، محمول مجازاً به موضوع اسناد می‌یابد و حقیقتاً به قید نسبت داده می‌شود؛ اما در حیثیت تعلیلیه، محمول حقیقتاً به موضوع نسبت داده می‌شود و قید تنها علت اسناد است. انتزاعی بودن عهد و پیمانی که پیش موسی است و حقیقی بودن ذات موسی، ما را به این وا می‌دارد که قید «بما عهد عندک» را تعلیلی بدانیم، نه تقییدی. در نتیجه باید اذعان کرد نفس موسی به دلیل عهدی که با خدا دارد، برطرف‌کننده بلایا است (حسینی زنجانی، ۱۳۸۵: ۱۲۷ - ۱۲۹).

### ب. خلقت و هدایت در غیر خدا

خلقت و هدایت از صفات مخصوص خداست؛ با این حال، قرآن صفات مزبور را درباره غیر خدا به کار برده است. کاربرد خلقت درباره حضرت عیسی (مائده: ۱۱۰) و نیز هدایت درباره امام (رعد: ۷) و قرآن (اسراء: ۹)؛ گویای آن است که اذن خلقت و هدایت در حدی خاص به موجودات پیش گفته صادر شده است و خالقیت عیسوی با خالقیت الاهی و نیز هدایت‌گری

نبوی و قرآنی با هدایت‌گری الهی منافاتی ندارد؛ چرا که همگی از خدا مأذون هستند. در نتیجه با تنقیح مناط می‌توان گفت اگر خلقت عیسوی با حصر خلقت در خدا منافات ندارد، بسندگی و نصرت نبوی و علوی نیز با حصر این دو صفت در خدا منافاتی نخواهد داشت.

### طرح یک شبهه

دادخواهی می‌تواند دارای دو صورت باشد: بی‌اشکال و دارای مشکل:

الف. در امور عادی که اسباب آن برای انسان فراهم است (مورد بی‌اشکال)؛

ب. در امور غیر عادی که اسباب آن فقط به دست خداست (مورد دارای مشکل).

قرآن در عین دعوت به توحید استعانت (فاتحه: ۵) مومنان را به همکاری در خیرات فرا می‌خواند:

وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ؛ و بر سر نیکی و پرهیزگاری همکاری کنید (مائده: ۲).

اگر حصر در استعانت به این معنا باشد که از غیر خدا یاری نطلبید، با دعوت به همکاری معارض خواهد بود؛ ولی این تعارض را می‌توان با همان دو صورت پیش‌گفته حل کرد: در اموری که اسباب آن به دست انسان است، یاری‌طلبی از همدیگر بی‌اشکال است؛ ولی در اموری که اسباب آن فقط به دست خداست، یاری‌طلبی از غیر خدا کاری مشرکانه است (رشید رضا، بی‌تا، ج ۱: ۴۹ - ۵۰). آن چه محل کلام است، نوع دوم یاری‌طلبی است. آیا نشانه‌ای بر درستی این نوع یاری‌طلبی در قرآن وجود دارد؟

در پاسخ به این شبهه می‌توان از داستان حضرت سلیمان نیز بهره گرفت. قرآن سخنی را از سلیمان نقل می‌کند که در آن، کاری غیر عادی را از اطرافیانش خواسته است:

قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ؛ [سپس] گفت: ای سران [کشور]! کدام یک از شما تخت او را - پیش از آن که مطیعانه نزد من آیند - برای من می‌آورد؟ (نمل: ۳۸).

اجابت تقاضای حضرت سلیمان، از قدرت مخلوق خارج بود؛ در حالی که حضرت سلیمان تجهیزات فراوانی در اختیار داشت. کمک طلبیدن سلیمان در زمینه چیزی که از توان بشر

خارج است، نشانه‌ای است از جواز این دادخواهی (حسینی زنجانی، ۱۳۸۵: ۱۳۷ - ۱۳۸).  
ثانیا، استمداد از خداوند به کارهای خارج از قدرت بشری محدود نمی‌شود، بلکه در مواردی نیز که همه اسباب مادی آماده باشد، برای مسلمان جایز نیست که به آن‌ها، بدون سبب‌ساز واقعی توجه کند (همان: ۱۴۶).

نتیجه این که استمداد از اولیای الهی در امور غیر عادی مثل مغفرت و گره‌گشایی از معضلات غیرقابل حل، با آیات قرآن منافاتی ندارد.

**سنجش با روایات:** در ادعیه و زیارات، اولیای الهی، به ویژه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امام علی عَلِيٌّ مخاطب قرار گرفته و از ایشان طلب حاجت شده است. با توجه به این که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امام علی عَلِيٌّ پدران معنوی امت اسلامی هستند: «انا و علی ابوا هذه الامة» (صدوق، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۲۷)؛ طلب از ایشان طلب از بیگانه شمرده نمی‌شود. از سویی، پیامبر در تعبیر حضرت علی به «طیب» وصف شده است (سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸) و طلب بیمار از طیب امری دور از انتظار نیست.

در دعای فرج نام پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امام علی عَلِيٌّ به دو صورت مورد خطاب قرار گرفته است: ابتدا نام امام و سپس نام پیامبر و در وهله دوم، ابتدا نام پیامبر و سپس نام امام مخاطب واقع شده است. این نوع خطاب به دلیل شدت ارتباطی است که بین پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امام علی عَلِيٌّ برقرار است. شدت ارتباط مزبور در تعابیر نبوی مشهود است: «فَأَمَّا عَلِيٌّ فَأَنَا هُوَ وَ هُوَ أَنَا» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸: ۳۱۹)؛ «إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ» (همان: ۳۲۱) و: «إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ» (صدوق، ۱۳۷۶: ۳۶).

تعابیر مذکور، گویای شدت ارتباط میان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امام علی عَلِيٌّ است (مازندرانی، ۱۳۸۸، ج ۱۲: ۲۶).

نظیر این گونه طلب‌ها در آموزه‌های روایی فراوان ذکر شده است که برخی از آن‌ها بیان می‌شود:

#### الف. روایت ربیعہ بن کعب

ربیعہ می‌گوید: شبی را در خدمت پیامبر بودم؛ مقدمات وضو را برای حضرت فراهم کردم. پس حضرت به من فرمود: «از من [چیزی] بخواه.» عرضه داشتم:

همراهی تان را در بهشت می‌خواهم. فرمود: «غیر آن را بطلب». عرض کردم: خواسته‌ام همان است. حضرت فرمود: «پس مرا بر خود با کثرت سجود یاری کن» (نیشابوری، بی‌تا، ج ۲: ۵۲؛ سجستانی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۲۹۷؛ نسائی، ۱۳۴۸، ج ۲: ۲۲۷؛ ورام، ۱۴۱۰، ج ۲: ۲۳۶).

#### ب. دعا بعد از نماز روزی

پیامبر در پاسخ به خواسته مردی که جهت جلب روزی دعایی از حضرت طلبید؛ دعایی به او یاد داد که در بخشی از آن چنین آمده است: «يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّي» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۵۵۲).

#### ج. دعا برای محزون

در روایت اسماعیل بن یسار، دعای آخر سجده برای برطرف شدن حزن و اندوه، تعبیر «يَا جَبْرَيْلُ، يَا مُحَمَّدُ! يَا جَبْرَيْلُ، يَا مُحَمَّدُ! اكْفِيَانِي مَا أَنَا فِيهِ فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِ! وَاحْفَظَانِي بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِنَّكُمَا حَافِظَانِ!»؛ وارد شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۵۵۸ - ۵۵۹).

#### د. دعای نماز حاجت

يَا مُحَمَّدُ، يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَشْكُو إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكَ حَاجَتِي! (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳: ۴۷۶).

#### ه. مخاطب قرار دادن پیامبر و اهل بیت

بر روی انگشتی که امام حسن عسکری علیه السلام به ابراهیم بن مهزیار عطا فرمود، این عبارت حک شده بود: «یا الله، یا محمد، یا علی!» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۴۵).

#### و. روایت عثمان بن حنیف

به نقل از عثمان بن حنیف، دعایی که رسول گرامی به مردی نابینا آموخت و آن شخص بینا شد، چنین است: «يَا مُحَمَّدُ! إِنِّي قَدْ تَوَجَّهْتُ بِكَ إِلَى رَبِّي اللَّهُمَّ شَفِّعْهُ فِيَّ وَ شَفِّعْنِي فِي نَفْسِي» (حاکم نیشابوری، بی‌تا، ج ۱: ۵۲۶).

همین روایت در منابع شیعه ذکر شده است (راوندی، الف. ۱۴۰۹، ج ۱: ۵۵).

ز. قنوت نماز وتر

يَا مُحَمَّدُ! أَتَقَرَّبُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ لِيَسْمَعَ دُعَائِي وَيُعْطِيَنِي سُؤْلِي وَيَغْفِرَ  
 ذُنُوبِي (مفيد، ۱۴۱۳: ۱۲۶ - ۱۲۷).

ح. زیارت‌نامه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

يَا مُمْتَحَنَةَ امْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً؛  
 ای آن که خدا تو را آفرید و پیش از آفرینشت بیازمود و در آن آزمایش تو را بر  
 هر گونه بلا شکستیا یافت! (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۱۰).

ط. زیارت‌نامه امام حسین

وَ قَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَى رَبِّي يَا سَيِّدِي فِي قَضَاءِ حَوَائِجِي وَمَغْفِرَةِ ذُنُوبِي فَلَا أَخِيَبَنَّ مِنْ  
 زُؤَارِكِ؛ ای مولایم! من برای گرفتن حاجاتم و بخشیده شدن گناهانم حقیقتاً به  
 سوی پروردگارم توجه یافتم. پس مرا از بین زائرانت ناامید مگردان (طوسی،  
 ۱۴۰۷، ج ۶: ۶۰).

ی. دعا بعد از نماز وتیره

يَا مُحَمَّدُ، يَا عَلِيُّ! بِكُمَا بِكُمَا (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۱۶).

ک. دعا بعد از نماز استغاثه

در دعای بعد از نماز استغاثه از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است:

يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا عَلِيُّ يَا سَيِّدَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِكُمَا اسْتَعِثْ إِلَى اللَّهِ  
 تَعَالَى (طبرسی، ۱۴۱۲: ۳۳۰ - ۳۳۱).

ل. زیارت‌نامه امیر المومنین علیه السلام

وَ أَشْهَدُ يَا مَوْلِيَّ أَنْكُمْ تَسْمَعُونَ كَلَامِي، وَ تَرَوْنَ مَقَامِي، وَ تَعْرِفُونَ مَكَانِي، وَ  
 تَرُدُّونَ سَلَامِي، وَ أَنْتُمْ حُجَجُ اللَّهِ الْبَالِغَةِ، وَ نِعْمَةُ السَّابِغَةِ، فَادْكُرُونِي عِنْدَ رَبِّكُمْ، وَ  
 أَوْرِدُونِي حَوْضَكُمْ، وَ اسْقُونِي بِكَاسِكُمْ، وَ احْشُرُونِي فِي جُمَّلَتِكُمْ، وَ احْرُسُونِي مِنْ  
 مَكَارِهِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، فَإِنَّ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا مَحْمُودًا، وَ جَاهًا عَرِيضًا، وَ شَفَاعَةً  
 مَقْبُولَةً (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۲۵۱).



م. دعای روز شانزدهم ماه از امام صادق علیه السلام

وَ اتَّوَجَّهْ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ وَ الصَّلَوَاتُ وَ الْبَرَكَاتُ، يَا مُحَمَّدُ يَا أَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي، اتَّوَجَّهُ بِكَ فِي حَاجَتِي هَذِهِ وَ جَمِيعِ حَوَائِجِي إِلَى رَبِّكَ وَ رَبِّي (سید بن طاووس، ۱۴۱۵: ۱۲۳).

ن. دعا بعد از نماز روز دوشنبه

يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا جِبْرِئِيلُ بِكُمْ أَتَوَسَّلُ إِلَى اللَّهِ (سید بن طاووس، ۱۳۳۰: ۷۱ - ۷۲).

س. استغاثه به حضرت فاطمه علیها السلام

در سجده نماز استغاثه به حضرت زهرا علیها السلام چنین ذکر شده است: «يَا مَوْلَاتِي يَا فَاطِمَةَ أَغِيثِينِي» (کفعمی، ۱۴۱۸: ۱۵۹).

مطالب گفته شده بخشی از روایاتی است که در آن اولیای الهی مخاطب واقع شده و حاجتی از ایشان طلب شده است. برخی از تعابیر مذکور در قالب دعا و برخی به صورت زیارت‌نامه و با عبارتهای متفاوتی نقل شده‌اند؛ ولی در این که همگی جنبه عبادی داشته و از سوی علمای اسلامی نقل شده و سیره مسلمانان و به ویژه شیعیان بر آن استوار بوده است؛ محل تردید نیست. علمایی که تعابیر مذکور را نقل کرده‌اند، خود را ناقل صرف نمی‌دانستند؛ بلکه وظیفه سنگین تشخیص درست از نادرست را بر دوش خود احساس کرده، همواره مطالبی را نقل کرده‌اند که با روح شریعت هماهنگی داشته است و اگر از تعبیری بوی شرک احساس می‌کردند، یقیناً آن را نقل نمی‌کردند (مرتضی‌العاملی ۱۴۲۶، ج ۱۲: ۲۰۴ - ۲۰۵).

سنجش با عقاید مسلم دینی و مذهبی: توسل به معصومان از نظر مذهب تشیع یکی از امور مقبول و مطلوب است. صفاتی مثل «کفایت» و «نصرت» هر چند جزو صفات انحصاری خداوند است؛ به کار بردن آن‌ها درباره معصومان هر دو حقیقی است و از باب حقیقت بعد از حقیقت است؛ مثل انتساب نوشتن به فاعل و دست فاعل که دست فاعل، از فاعل مستقل نیست؛ بلکه در طول آن است (همدانی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۴۳۹).

### ولایت تکوینی پیامبر و ائمه اطهار و نظام اسباب و مسببات

پیامبر و خاندان مکرم وی، همان گونه که در حوزه تشریح، لسان ناطق حق‌اند، در عرصه تکوین دست عطا و بازوی قدرت خداوند می‌باشند. ایشان محل ظهور قدرت کامل الاهی و مظهر سلطنت قاهر ربوبی هستند. بدین ترتیب دنیا و آخرت، به لحاظ نظام اسباب و مسببات، با یکدیگر سنخیت داشته و تشریح با تکوین هماهنگ است. اگر در آخرت (به اذن و فرمان الاهی) حسابرسی و پرونده خلق و تقسیم و سوق افراد به سوی بهشت و دوزخ، زیر نظر پیامبر ﷺ و علی علیه السلام انجام می‌گیرد، در دنیا نیز این بزرگواران، جنود پروردگار، و واسطه جریان فیض ربوبی به مخلوقات بوده و کارگزاران خداوند در هستی (فرشتگان و ...) به اذن خداوند تحت نظارت گسترده ایشان خدمت می‌کنند. در عین حال آن بزرگواران از خود استقلال نداشته و صرفاً در دایره قدرت و مشیت الاهی عمل می‌کنند (ابوالحسنی، ۱۳۸۴: ۴۷۷ - ۴۷۸).

بر این اساس، فقره مزبور با مبانی توحیدی ناسازگار نیست.

### بررسی فقره پایانی

فقره پایانی بازگشتی است به مناجات با توسل به حق پیامبر و آل پیامبر. از مطالب پیشین وضعیت این فقره نیز معلوم می‌گردد.

### نتیجه‌گیری

آن چه از پژوهش حاضر به دست می‌آید، این است که دعای فرج هر چند در آثار پیش از قرن ششم موجود نیست؛ به لحاظ محتوایی دربردارنده دقیق‌ترین معتقداتی است که کاملاً با مبانی دینی سازگار است. این دعا از سه قسمت تشکیل یافته که دو قسمت آن در بین عموم مسلمانان با هیچ مشکلی مواجه نیست و تنها فقره سوم با دیدگاه‌های وهابیت سازگاری ندارد و این ناسازگاری به دعای فرج منحصر نیست؛ بلکه در بسیاری از امور مثل توسل، شفاعت، زیارت، تبرک بین اندیشه اسلامی و وهابیت اختلاف عمیقی وجود دارد.

## منابع

۱. قرآن کریم.  
نهج البلاغه.
۲. صحیفه سجادیه.
۳. ابن اشعث، محمد بن محمد (بی تا). *الجغریات*، تهران، مکتبه النینوی الحدیثة.
۴. ابن شهر آشوب مازندرانی (۱۳۷۹). *مناقب آل ابی طالب*، قم، موسسه انتشارات علامه.
۵. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶). *کامل الزیارات*، نجف، دار المرتضویة.
۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیة مشورات محمد علی بیضون.
۷. ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹). *المزار الکبیر*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۸. ابوالحسنی (منذر)، علی (۱۳۸۴). *شیخ ابراهیم زنجانی، زمان، زندگی، خاطرات* (۱۳۸۴). تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۹. ابی حامد مرزوق (۱۳۷۶م). *التوسل بالنبی ﷺ و جهلة الوهابیین*، استانبول، مکتبه ایشیق.
۱۰. احمد بن حنبل (بی تا). *مسند احمد*، بیروت، دار صادر.
۱۱. اصفهانی، میرزا محمد تقی (۱۴۱۲ق). *مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم*، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق). *صحیح البخاری*، بیروت، دارالفکر.
۱۳. بُرسی، حافظ رجب (۱۴۲۲ق). *مشارق انوار الیقین فی اسرار امیر المومنین*، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۴. بزرگمهرنیا، عبدالحسن (۱۳۸۸). *مشتاقی و مهجوری*، تهران، موعود عصر عصر.
۱۵. بغدادی، خطیب احمد بن علی بن ثابت (۱۴۱۷ق). *تاریخ بغداد*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۱۶. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق). *انساب الاشراف*، بیروت، دار الفکر.
۱۷. بنویدی، زهرا (بهار ۱۳۹۰). «کاوشی در دعای فرج: الهی عظم البلاء»، فصلنامه انتظار موعود، ش ۳۴، ص ۹۵ - ۱۱۷.
۱۸. بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین (۱۴۰۵ق). *دلائل النبوة*، بی جا، دار الکتب العلمیة.
۱۹. تبریزی، میرزا جواد (۱۴۲۷ق). *صراط النجاة*، قم، دار الصدیقة الشهیدة.
۲۰. حاکم نیشابوری، حافظ ابی عبد الله (بی تا). *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت، دار المعرفة.
۲۱. حرانی، حسن بن شعبه (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۲. حسینی زنجانی، سید عز الدین (۱۳۸۵). *معیار توحید و شرک در قرآن*، قم، بوستان کتاب.
۲۳. حلی ابن فهد (۱۴۰۷ق). *عدة الداعی بی جا*، دار الکتب الإسلامی.

۲۴. خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸). *التعليقه على الفوائد الرضوية*، دوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۵. راوندی، قطب الدین، الف. (۱۴۰۹ق). *الخرائج و الجرائح*، قم، مؤسسه امام هادی علیه السلام.
۲۶. راوندی، قطب الدین، ب. (۱۴۰۹ق). *قصص الانبياء عليهم السلام*، مشهد، مرکز پژوهش های اسلامی.
۲۷. راوندی، قطب الدین (۱۴۰۷ق). *الدعوات*، قم، انتشارات مدرسه امام مهدی.
۲۸. رشید رضا، محمد (بی تا). *تفسیر القرآن الکریم الشهیر بتفسیر المنار*، بیروت، دار المعرفة.
۲۹. سبحانی، جعفر (۱۳۷۴). *الزيارة في الكتاب و السنة*، تهران، مشعر.
۳۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). *وهايت مباني فكري و كارنامه عملي*، دوم، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۳۱. سبکی، تقی الدین (۱۴۱۹ق). *شفاء السقام في زيارة خير الانام*، حیدرآباد، دائرة المعارف العثمانية.
۳۲. سجستانی، ابی داود سلیمان بن الاشعث (۱۴۱۰ق). *سنن ابی داود*، تحقیق و تعلیق سعید محمد اللحام، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر.
۳۳. سید بن طاووس، علی بن موسی (۱۳۳۰ق). *جمال الاسبوع*، قم، دار الرضی.
۳۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۸ق). *فرج المهموم في تاريخ علماء النجوم*، قم، دار الذخائر.
۳۵. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۵ق). *الدرع الواقية*، بیروت، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۳۶. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۱ق). *المجتنب من الدعاء المجتبی*، مصحح: کرمانی، ابوطالب قم، دار الذخائر.
۳۷. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۱ق). *مهج الدعوات و منهج الدعوات*، مصحح: کرمانی، ابوطالب قم، دار الذخائر.
۳۸. شامی، یوسف بن حاتم، (۱۴۲۰ق). *الدر النظیم في مناقب الائمة اللهميم*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۹. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰ق). *المزار*، اشراف سید محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام.
۴۰. شیخ بهایی، محمد بن حسین (۱۴۲۹). *جامع عباسی و تکمیل آن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴۱. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵). *الفرقان في تفسير القرآن بالقرآن*، دوم، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی.
۴۲. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶). *الامالی*، تهران، کتابچی.
۴۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). *علل الشرايع*، نجف، کتابخانه حیدریه.
۴۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمه*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه.
۴۵. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق). *من لا يحضره الفقيه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی..
۴۶. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). *الميزان في تفسير القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق). *اعلام الوری باعلام الهدی*، قم، مؤسسه آل البيت.
۴۸. \_\_\_\_\_ (۱۱۳۰ق). *کنوز النجاح*، نسخه خطی، اهدایی جعفر سلطان القرائی به کتابخانه مجلس شورای ملی.

۴۹. طبری، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳ق). *دلائل الإمامة*، قم، بعثت.
۵۰. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). *تهذیب الأحكام*، چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۵۱. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۱ق). *مصباح المتعبد و سلاح المتعبد*، بیروت، موسسه فقه الشیعه.
۵۲. علیانسیب، سیدضیاء الدین (۱۳۸۷). *اسلام ابوسفیانی*، تبریز، یاس نبی.
۵۳. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). *تفسیر العیاشی*، تهران، المطبعة العلمیه.
۵۴. فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ق). *تفسیر من وحی القرآن*، دوم، بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر.
۵۵. قاضی عیاض (۱۴۰۷ق). *الشفاء بتعریف حقوق المصطفی*، دوم، عمان، دار الفیحاء.
۵۶. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). *تفسیر القمی*، قم، دار الکتب.
۵۷. کاشانی، ابراهیم بن محسن (۱۴۰۵ق). *الصحیفة المهدیه*، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام.
۵۸. کاشانی، ملا فتح الله (۱۳۳۶). *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی محمد حسن علمی.
۵۹. کفعمی، ابراهیم (۱۴۱۸ق). *البلد الامین و الدرع الحصین*، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۶۰. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۳ق). *المصباح*، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۶۱. کورانی عاملی، علی (۱۴۱۱ق). *معجم احادیث امام مهدی علیه السلام*، قم، موسسه معارف اسلامی.
۶۲. مازندرانی، ملا صالح (۱۳۸۸). *شرح اصول الکافی*، تحقیق ابوالحسن شعرانی و علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۶۳. مالک، (۱۴۰۶ق). *الموطأ تصحیح و تعلیق*: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۶۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۶۵. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۳ق). *زاد المعاد*، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۶۶. مرتضی العاملی، سید جعفر (۱۴۱۳ق). *مختصر مفید*، بیروت، المركز الاسلامی للدراسات.
۶۷. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *المقنعة*، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۶۸. نسائی، احمد بن شعیب (۱۳۴۸ق). *سنن نسائی*، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر.
۶۹. نیشابوری، مسلم (بی تا). *صحیح مسلم*، بیروت، دارالفکر.
۷۰. ورام، ابن ابی فراس (۱۴۱۰ق). *تنبيه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعة ورام*، قم، مکتبه فقیه.
۷۱. همدانی، محمدباقر بن محمد جعفر (۱۳۸۷). *مجموعه رسائل در شرح احادیثی از کافی*، محقق مهدی سلیمانی آشتیانی، و محمد حسین درایتی، قم، دار الحدیث.
۷۲. یزدی حائری، علی (۱۴۲۲ق). *الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب*، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.

